

درباره طرح مسئله کرد

رنج میبرد بلکه گرفتار مسم ملی نیز هست "۰۰۰۰" ما حق خلق کرد را در تعیین سرنوشت خویش محترم می شماریم و بخاطر تحقق آن مبارزه می کنیم . ما طرفدار تساوی کامل حقوق خلق کرد با سایر خلقهای ایران هستیم و برانهم که فقط تساوی کامل میتواند خلق کرد را با دیگر خلقهای ایران در مبارزه با امپریا - لیزم و حکومت دست نشاندگان ، در استقرار حکومت دمکراتیک نوین و در داخل این حکومت بر اساس دواطلبی متحد سازد . همچنین سازمان ما از این جمله "توفان" استقبال میکند که مینویسد "سازمان ما آماده است که پیرامون مسائل فوق و پاره مسئله دیگری که با سرنوشت خلق کرد مربوط باشد با دوستان کرد بی بحث و تبادل نظر بپردازد"

در ضمن در ماهنامه "توفان" از بیانیه مورخ ۱۲/۱۲/۱۹۶۸ ما انتظار بعمل آمده و این جمله از بیانیه ما که میگوید "در داخل احزاب و سازمانهای ملی و مترقی نیز مسئله ملی و راه حل صحیح و پیگیران انچنانکه شایسته است به صراحت مطرح نگردیده است" مورد پسند نویسند - گان ماهنامه "توفان" قرار نگرفته .

ماهنامه "توفان" مینویسد "۰۰۰ سازمان ما با انتشار دوسند در ماهنامه "توفان" با صراحت و بدون هیچگونه ابهام مسئله ملی را در ایران مطرح کرده و راه حل آنرا نشان داده است . از مدلول نشریه چنین بر می آید که دوستان کرد بنظریات مندرج در این دو سند توجهی نداشته و یا نخواسته اند مبذول دارند و بجای آنکه لااقل مسئله ملی و بطور اخص مسئله اقلیت ملی کرد را در ایران بشیوه خود مطرح ساخته و راه حلی برای آن ارائه دهند ، نظریاتی ابراز داشته اند که نه تنها روشن کردن امر کمی نمیرساند بلکه برابها م و عدم صراحت ان میافزاید "لا تکیه بر روی کلمات از ماست س. ر. ک ۱۰"

مبارزه ملت کرد در ایران در سال گذشته به حد ترین شکل خود یعنی مبارزه مسلحانه اظهار وجود کرد و بار دیگر نشان داد چه نیروی انقلابی عظیمی در کردستان ایران نهفته است .

نیروهای مترقی ایران متوجه شدند که کردستان ایران یکی از پایگاههای اساسی انقلاب سرتاسری ایرانست .

در چنین شرایطی منطقی است که نخستین بیانیه سازمان روشنفکران کرد ایران و بطور کلی مسئله کرد و جستجوی راه حل صحیح و علمی آن مورد توجه سازمانها و مطبوعات مترقی قرار گرفت . ما ضروری میدانیم نظرات برخی از این سازمانها را بررسی کنیم و عقیده خود را درباره مسائل مورد بحث ابراز نمائیم .

قبل از همه خوشحالیم که بالاخره بحث درباره حل مسئله کرد در ایران آغاز شده و همچنین خوشحالیم که نخستین بیانیه سازمان ما با ایجاد چنین بحثی کمک کرده است . ما بحث منطقی و توأم با علاقه بسرنوشت انقلاب ایران و خلقهای ایران را تنها راه صحیح تبادل نظر در بین انقلابیون ایران میدانیم و بدینجهت از چنین بحثی استقبال میکنیم . امیدواریم که این بحث ادامه یابد و روشن شدن بسیاری از مسائل پیچیده و مربوط بمسئله ملی در ایران و مسئله کرد در کردستان ایران کمک نماید .

ماهنامه توفان ارگان سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در شماره ۲۰ سال ۱۳۴۸ خود مقاله ای تحت عنوان "راه رهایی خلق کرد" منتشر کرده . این مقاله حاوی جوانب مثبت بسیاری است که لازم میدانیم بدانها اشاره کنیم . در مقاله نوشته شده "ما برانیم که خلق کرد در ایران نه تنها از سلطه امپریالیزم و ارتجاع

نخست باید بگوئیم که قصد ما مجموع سازمانهای ملی و مترقی ایرانست و این سازمانها واقعا مسئله ملی و بویژه مسئله کرد را انچنانکه شایسته است مطرح نکرده اند. آیا سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان از این مجموع مستثنی است؟ در "قرار سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در باره مسئله ملی" که در شماره ۱۲ ماهنامه توفان منتشر شده صحبت از "تساوی کامل" خلقهای ایرانست از اصل انکار ناپذیر حق تعیین سرنوشت ملتها بدست خویش تا حد جدائی سخنی بمیان نیامده و مضمون مسئله ملی "تعیین چگونگی مناسبات میان ملتهای ایران" قلمداد شده است. طبق این سند تظاهر عمده ستم ملی "اعمال فشار بر زبان ملی" است.

در شماره ۱۴ ماهنامه توفان تفسیری بر سند مذکور نوشته شده که بنظر ما در تحلیل مسئله ملی نسبت بسند مذکور گامی بجلو محسوب میشود. در این مقاله که عنوان "حق ملتهای ایران در تعیین سرنوشت خویش" را دارد با صراحت گفته شده که "مارکسیست - لنینیستها پیوسته حق ملتها را در تعیین سرنوشت خود تا حد جدائی محترم داشته و میدارند. یعنی هر ملتی از ملتهای ایران حق دارد خودش تصمیم بگیرد که با سایر ملتها در داخل دولت واحد بسر خواهد برد یا دولت جداگانه ایرا تشکیل خواهد داد. انکار این حق در حکم انکار تساوی ملتها با یکدیگر، انکار حق حاکمیت این یا آن ملت است. انکار این حق به وحدت امروزی ملتهای ایران در مبارزه با ارتجاع و امپریالیزم ضربه وارد میآورد و امکان وحدت دمکراتیک آنها را در دولت واحد در فردای انقلاب منتفی میسازد." "..... حزب طبقه کارگر ایران در حل مسئله ملی اصل لنینی حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش تا حد جدائی را راهنمای عمل خویش قرار خواهد داد و ملتگاهی که بنا بر اراده

ازاد خود و بر اساس داوطلبی در چهار چوب دولت انقلابی آینده میمانند از خود مختاری ملی بر خوردار خواهند بود.

اینها نظراتی است که کاملا مورد تایید و قبول ما میباشد.

متاسفانه مقاله "راه رهایی خلق کرد" با مقایسه با مقاله "حق ملتهای ایران در تعیین سرنوشت خویش" گامی بعقب بشمار میرود.

در حالیکه در مقاله "حق ملتهای ایران....." صحبت از ملتهای ایرانست، در مقاله "راه رهایی خلق کرد" از خلق کرد بعنوان اقلیت ملی سخن رانده میشود. همه میدانیم که اصطلاح اقلیت ملی به گروههایی اطلاق میشود که فاقد سرزمین هستند. در ایران آرامنه، اسوریها و کلیعی ها جزو اقلیت های ملی بشمار میروند. در حالیکه از رایجانیها و کردها جزو ملت های ایران محسوب میگردند.

در مقاله "راه رهایی....." گفته شده "ستم ملی بطور عمده در محرومیت خلق کرد از زبان و فرهنگ ملی تظاهر میکند" این ادعا با واقعیت تطبیق نمیکند. ستم ملی همه جوانب سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را شامل است. قبل از همه از ملت کرد سلب حاکمیت شده. این ملت از نظر سیاسی حاکم بسرنوشت خود نیست. از میان برداشتن ستم ملی یعنی شناسائی حق کردها بعنوان ملت در تعیین سرنوشت خود تا حد جدائی در واقع مضمون اساسی مسئله ملی در ایران تا مین حق تعیین سرنوشت ملتها است نه "تعیین چگونگی مناسبات میان ملت های ایران". ارتش، پلیس و ژاندارمری همه فاساد است در دست رژیم شاه برای اعمال ستم ملی در کردستان ایران. فرماندهان نظامی و اکثریت قریب باتفاق کارمندان عالیرتبه را در کردستان افراد غیر کرد تشکیل میدهند. کردها بعنوان ملت در چهارچوب ایران

کنونی نه تاثیرى در تعيين سياست عمومى
کشور دارند و نه رژيم شخصيت ميامى و
اجتماعى براى آنها قايل است . کردستان
ايران شرايط مساعدى براى رشد صنعت
و کشاورزى دارد و از لحاظ منابع طبيعى
از مناطق بسيار غنى ايرانست . با اينهمه
از نظر اقتصادى جزو عقب افتاده ترين
مناطق محسوب ميگردد . در واقع اگر
ستم ملّى بطور عمده در متمدن فرهنگى تظاهر
ميکند ، در اينصورت با اعطاي حقوق
فرهنگى و رفع ستم از زبان کردى مسئله کرد
مياميست بخودى خود حل ميشد . تجربه
کشورهاي رشد يافته اى مثل انگلستان ،
بلژيک و کانادا بوضوح نشان ميدهد که
تامين حقوق فرهنگى براى حل مسئله ملّى
کافى نيست . مسئله ي ملّى يکى از پيچيده ترين
مسائل عصر ما است . اين مسئله را بايد
با در نظر گرفتن همه جوانب سياستى ،
اقتصادى ، اجتماعى و فرهنگى آن حل
کرد و نمیتوان آنرا بمسئله زبان و فرهنگ
محدود نمود ، هرچند زبان و فرهنگ
جاي مهمى را در حل مسئله ملّى اشغال
ميکنند .

ما هنامه توفان در هيچ جا باثبات
اين ادعاى خود نپزداخته که بيانیه
سازمان ما " نه تنها بروشن شدن امر
کمکى نميرساند بلکه بر ابهام و عدم صراحت
ان ميافزايد " تنها در يکجا اين نظر
مارا که " حل مسئله ملّى در ايران يکى
از شرايط پيروزى مبارزه عمومى مردم
ايرانست " مردود دانسته و اشاره
نموده که " بالعکس پيروزى مبارزه عمومى
مردم ايران بردشمنان شرط قطعى حل
مسئله ملّى است " اولاً ما نوشته ايم
که حل مسئله ملّى يکى از شرايط پيروزى
است نه شرط قطعى و عقیده داريم که
اين نظر کاملاً صحيح است و با نظر
ما هنامه توفان در مقاله " حق ملتهاي
ايران . . . " که نوشته است انکار حق
تعيين سرنوشت " به وحدت امروزي
ملتهاي ايران در مبارزه با ارتجاع و
امپرياليزم ضربه شکننده وارد ميآورد "

کاملاً مطابقت دارد . تازه نظر ما با اين
تذکره " پيروزى مبارزه عمومى مردم ايران
بر دشمنان شرط قطعى حل مسئله ملّى
است " مغايرتى ندارد .
تنها ضرورى ميدانيم بيک مسئله ديگر
نيز اشاره کنيم و آن اينکه ما هنامه توفان
عقیده دارد که با پيروزى طبقه کارگر مسئله
ملّى نيز خود بخود حل خواهد شد .
اين تذکره از نظر تئوريک ممکن است صحيح
باشد ولى در عمل تا کنون چنين نبوده .
مسئله ملّى خيلى بخرنچ تر از آنست که با
سرکار آمدن طبقه کارگر خود بخود حل
شود . واضح است پيروزى طبقه ايکه با استثمار
پايان ميدهد شرايط عينى را براى حل
مسئله ملّى آماده ميکند ولى حل پيگير مسئله
ملّى بستگى بعوامل متعدد ديگرى نيز
دارد . در بسيارى از کشورهاي کثيرالمله
سوسياليستى هنوز مسئله ملّى بطور پيگر
حل نشده و نمیتوان ادعا کرد که تساوى
کامل بين ملل اين کشورها وجود دارد .
ما عقیده داريم همچنانکه در نخستين
بيانیه سازمان ما آمده " . . . خلق کرد
در مبارزه خويش براى برانداختن ستم
ملّى تمام خلقهاي ايران را پشتيبان طبيعى
خود ميداند . در عين حال مبارزه ملت
کرد جزه لاینفکى از مبارزه همگاني ملتهاي
ايرانست . بنظر سازمان ما اين دو مبارزه
يعنى مبارزه عمومى و متحد عليه رژيم ضد
ملّى شاه و مبارزه براى برانداختن ستم
ملّى و تامين حقوق ملّى خلقهاي ايران
از هم جدا نشدنى است و در واقع دو جنبه
مبارزه واحدى را تشکيل ميدهد . جدا
کردن جوانب اين مبارزه از همد يگرو يا
کم بها دادن بيکى و پر بها دادن بد يگرى
نميتواند همباززه مشترک خلقهاي ايران
کمک کند و عدم اعتماد متقابل را که وجود
بستم ملّى زمينه مساعدى براى انست تقويت
ميکند . " بدين ترتيب سازمان ما بر
خلاف آنچه در ما هنامه توفان آمده حل
مسئله ملّى را بر پيروزى انقلاب مقدم
نميشمارد و اصولاً طرح اين مسئله را بدین

شکل که پیروزی انقلاب بر حل مسئله ملی
مقدم است یا برعکس، صحیح نمیداند •
مسئله دیگری که در ماهنامه توفان
مطرح شده اینست که گویا بعضی از
ناسیونالیستهای کرد شعار کردستان
واحد را میدهند • ماهیچ سازمان سیاسی
را در کردستان سراغ نداریم که چنین
شعاری داده باشد • بهتر بود
نویسندگان "توفان" تصریح میکردند
کجا و چه کسی چنین شعاری داده است •

در هر صورت ما چنین شعاری را در
شرایط فعلی غیر عملی و برای مبارزه مشترك
و متحد خلقهای ایران مضر میدانیم
ما امیدواریم که این اظهار نظر ما
بر روشن شدن مسئله ملی و بویژه مسئله کرد کمک
نماید • سازمان ما کوشش خواهد نمود
نظر خود را درباره مسئله کرد و طرح
وراه حل آن در آینده مفصلاً منتشر
سازد •

سازمان روشنفکران کرد ایران

تیر ماه ۱۳۴۸